

هوشیاری و عقلانیت یکپارچه زیست محیطی

www.ketab.ir

دکتر جهانگرد محمدی
گروه خاک شناسی دانشکده کشاورزی دانشگاه شهرکرد

زمستان ۱۴۰۰

سرشناسه: محمدی، جهانگرد، ۱۳۴۲ -
عنوان و نام پدیدآور: هوشیاری و عقلانیت یکپارچه زیست محیطی / جهانگرد محمدی: [برای] گروه
خاک شناسی دانشکده کشاورزی دانشگاه شهرکرد.
مشخصات نشر: شهرکرد: جهاد دانشگاهی، واحد استان چهارمحال و بختیاری، انتشارات، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۱۰۰۲ ص: ۲۹×۲۲ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۰۵-۳۹-۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: حفاظت محیط زیست -- فلسفه
Environmental protection -- Philosophy
طبیعت -- اثر انسان
Nature -- Effect of human beings on
بوم شناسی -- فلسفه
Ecology -- Philosophy
شناسه افزوده: دانشگاه شهرکرد. دانشکده کشاورزی. گروه خاک شناسی
شناسه افزوده: جهاد دانشگاهی. واحد استان چهارمحال و بختیاری. انتشارات
رده بندی کنگره: TD۱۷۰
رده بندی دیویی: ۳۶۳/۷
شماره کتابشناسی ملی: ۸۶۹۸۲۹۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا



استان چهارمحال و بختیاری

هوشیاری و عقلانیت یکپارچه زیست محیطی

تالیف: دکتر جهانگرد محمدی

گروه خاک شناسی دانشکده کشاورزی دانشگاه شهرکرد

انتشارات: جهاد دانشگاهی استان چهارمحال و بختیاری

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۰۵-۳۹-۸

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپ: اول، زمستان ۱۴۰۰

قیمت: ۳۰۰۰۰۰ تومان

www.16book.ir

همه حقوق محفوظ و متعلق به انتشارات جهاد دانشگاهی است.



فهرست مطالب

پیش‌گفتار الف

فصل اول: جهان سه‌گانه‌ها، هولون‌ها و ساختار هولارکی

۲	مقدمه
۳	سه‌گانه‌های سترگ (سه‌های جدا افتاده از هم)
۱۶	سه‌گانه خاک، خاک‌شناس، خاک‌شناسی
۱۸	سه‌گانه خاک (هستین خاک، درستین خاک، راستین خاک)
۱۹	الف) هستین خاک
۲۴	ب) درستین خاک
۲۶	ج) راستین خاک
۲۷	هولون‌ها و هولارکی‌ها
۳۰	الف) هولون و دیدگاه هولونی آرتور کاستلر
۳۲	ب) هولون و دیدگاه هولونی کن ویلبر
۳۷	ج) ساختار و چیدمان هولون‌ها: هولارکی
۴۴	د) هولارکی‌های ادراکی و گیتی (کاسموس) ویلبری
۴۸	ه) انگاره‌ها و باورداشت‌های بیست‌گانه اکوال / هولونی کن ویلبر
۵۲	پیامدهای بینش‌مندی هولونی و فرانگرسازی هولون‌ها
۵۴	الف) رشد و پیشرفت چون مشخصه سرشتین مهین‌گیتی و کهن‌گیتی
۵۵	ب) فروپاشی دوگانه‌ها و گسترش دوبن‌گرایی در یک جهان فضای یکپارچه‌تر
۵۶	ج) آشکار ساختن هولارکی مهین‌گیتی و جایگاه انسان در طبیعت
۶۵	د) نقشه و سرزمین: الگوی هوشیاری چون نقشه‌ای از سرزمین درون
۶۶	پی‌نوشت‌ها



فصل دوم: چیستی طبیعت و محیط زیست در گذر زمان

۸۶	 مقدمه
۸۷	 چیستی طبیعت و محیط زیست
۸۷	 الف) پنداشت‌های پیشامدرنی
۸۷	 ۱) پیشامدرن دور و پارینه
۹۳	 ۲) پیشامدرن میانه
۹۴	 ۳) پیشامدرن نزدیک
۹۸	 ب) پنداشت‌های مدرن
۹۹	 ۱) دوره نوزایی (رنسانس و انقلاب علمی)
۱۰۲	 ۲) دوره مدرن کلاسیک (دوران روشنگری)
۱۰۶	 ۳) دوره نوگرایی (مدرن) پسین
۱۱۱	 دو چرخش برجسته در اندیشه‌ها و ارزش‌ها
۱۱۴	 ج) اندیشه‌ها و انگاره‌های پسامدرنی درباره طبیعت و محیط زیست
۱۱۹	 بایستگی گذار به پنداره‌های زیست محیطی فراپسامدرنی (متامدرنیزم)
۱۲۳	 گامی فراتر و فرازیده‌تر
۱۲۴	 بازگشت به درون: بازشناسی پیوند انسان و طبیعت (و محیط زیست)
۱۲۷	 درک و دریافت سه‌گانه طبیعت
۱۳۲	 پاسخ شیداگرایانه پسامدرن‌ها به پرسمان‌های زیست محیطی
۱۳۷	 پیدایش چشم اندازگرایی و برگشت آرام و آهسته به درون‌ها
۱۳۹	 چشم اندازگرایی در علوم زیست محیطی
۱۴۸	 گستره درون‌ها: برگرداندن ژرفنای به جهان هستی
۱۵۳	 پی‌نوشت‌ها

فصل سوم: فراالگوی اکوال: سه‌گانه‌های جداناپذیر

۱۷۲	 مقدمه
۱۷۳	 اندریافت یکپارچگی: فراتر از فروکاست‌گرایی مدرن و نسبی‌گرایی پسامدرن
۱۷۵	 ساماندهی چشم‌اندازها: از برجینی و گلچینی تا ژرف‌بینی فرنودین
۱۷۸	 فراالگوی (سوپرمدل) اکوال
۱۷۹	 همه چهار کوادرنانت



۱۸۲	چهار قلمرو (کوادرانت) پدیده‌های محیط زیستی
۱۹۱	چگونه از کوادرانت‌ها بهره‌برداری نماییم: کوادرانتیک و کووادیویا
۱۹۴	کوادرانتیک یک قورباغه
۱۹۵	الف) ساحت و قلمرو تجربه، یازش و روی آوَرندگی: دنیای پدیداری (فنونولوژیکال) قورباغه
۱۹۵	ب) ساحت و قلمرو رفتار: دنیای حسی و سوهشی (سنسوری) قورباغه
۱۹۷	ج) ساحت و قلمرو فرهنگ: دنیای فرهنگی قورباغه
۱۹۸	د) عرصه و ساحت سیستم‌ها: دنیای اجتماعی (سوشیال) قورباغه
۲۰۰	کووادیویای یک درخت بلوط
۲۰۰	الف) ساحت و قلمرو تجربه: سوهش‌ها و احساسات پیوند خورده با درخت بلوط
۲۰۱	ب) ساحت و قلمرو و عرصه فرهنگ: معنا و فحوای مشترک هم‌پیوند با درخت بلوط
۲۰۲	ج) ساحت و بُعد رفتار: سنجش و اندازه‌گیری‌ها بر روی درخت بلوط
۲۰۲	د) ساحت و سپهر سیستم‌ها: برازش و تحلیل تناسب کارکردی درخت بلوط
۲۰۳	تحلیل کووادیویایی آلودگی‌های زیست محیطی یک مجتمع صنعتی
۲۰۳	الف) کوادرانت بالا سمت راست (UR): قلمرو رفتارهای فردی
۲۰۴	ب) کوادرانت پایین سمت راست (LR): قلمرو سیستم‌های گروهی
۲۰۴	ج) کوادرانت پایین سمت چپ (LL): ساحت و سپهر فرهنگ‌های گروهی
۲۰۴	د) کوادرانت بالا سمت چپ (UL): سپهر و ساحت تجربه‌های درون
۲۰۷	سازه‌های فراالگوی اکوال: مؤلفه‌های بنیادین کوادرانت‌ها
۲۰۷	الف) همه سطح‌ها و ترازها: ژرفناکی و هم‌تافتی‌ها (پیچیدگی‌ها)
۲۱۳	ب) همه خط‌ها و رج‌ها: گنجایش‌ها و هوشمندی‌های رشدی
۲۱۷	ج) همه چونی‌ها و کیفیت‌های (حالت‌های) زودگذر یا ماندگار
۲۲۰	د) همه سنخ‌ها و گونه‌ها: تیپ‌ها و الگوهای گوناگون
۲۲۲	ه) همه حوزه‌ها: راه‌های گوناگون دانستن
۲۲۷	نقشه راه برای پژوهش‌های یکپارچه
۲۳۱	پی‌نوشت‌ها

فصل چهارم: درون‌شناسی کیستی پرسمان‌های زیست محیطی

۲۸۴	مقدمه
۲۸۵	پرسمان هوشیاری زیست محیطی
۲۸۶	درون‌شناسی (روان‌شناسی) پرسمان‌های زیست محیطی
۲۸۸	الف) روان‌شناسی ناهوشیاری



پیش گفتار

امروزه، یکی از مهم‌ترین کانون‌های توجه و تمرکز بسیاری از ساکنان کره خاکی (از غرب گرفته تا شرق و از شمال گرفته تا جنوب)، پرسمان‌ها و چالش‌های زیست محیطی است که در پیکره بحران‌های زیست‌گاهی آشکار گردیده است. در کنار بحران‌های بوم‌شناختی و محیط زیستی، جهان درگیر دیگر چالش‌ها و پرسمان‌های علمی، فلسفی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی، دینی و معنوی است که بر روی هم یک فرابحران آبرهم‌تافته و افروزه را پیش روی انسان‌ها نهاده است. بی‌گمان، پرسمان‌های هم‌تافته (پیچیده و بغرنج) از یک سوی نشان‌گر خطرات یا شکاف‌های سترگ و شگفت‌انگیز در مسیر رشد و پیشرفت انسان و جوامع انسانی است و از سوی دیگر، بیان‌گر مجال‌ها و اندرتوانش‌های (پتانسیل‌های) بزرگ و گسترده برای نسل بشر می‌باشد؛ چرا که اندریافت چالش و بحران را می‌توان هم‌ارز با سه‌گانه تهدید، فرصت و کنش دانست (بحران = تهدید + فرصت + کنش). این فرابحران، بیان‌گر یک هستی‌مندی (واقعیت) هم‌تافته، هم‌ادین با فراگیری چندسویه است که آفریننده سامانه‌ای چندلایه و تودرتو است که به‌سختی بتوان با بهره‌گیری از بینش‌ها و دیدگاه‌های تک‌سویه‌ای و تکرشته‌ای فروکاست‌گرا به شناسایی و چاره‌اندیشی آن‌ها پرداخت. به‌راستی که این فرابحران، یگانه آبرپرسمان پنداری/کرداری/ارزشی و گفتمانی دوران نوین است که بشر با آن روبرو گردیده است. ترجمان دیگر این فرابحران، همانا فراچالش عقلانیت، دانایی و دانندگی (یادگیری) است.

رویکردهای بسیار زیادی توسط اندیشمندان و پژوهش‌گران حوزه‌های گوناگون اندیشه به پرسمان‌های محیط زیست و بوم‌ساخت‌ها به‌کار گرفته شده است که از جمله می‌توان به رویکردهای علمی، فلسفی، معنوی (روحانی)، دینی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، رفتاری و روانی (روان‌شناسانه) اشاره نمود که هرکدام، روشن‌گر سویه‌ای از این بحران و اشارتی بر نکات برجسته آن تنها از یک دیدگاه و چشم‌انداز (پرسپکتیو) مشخص بوده است. این در حالی است که از دیگر ابعاد و دیدگاه‌ها، دانسته یا ندانسته چشم فرو بسته شده است. افزون بر آن، شوربختانه، شاهد ناسازگاری‌های دیدگاهی در درون هر کدام از تک‌حوزه‌های دانش و آگاهی نیز می‌باشیم که خود بیش از پیش بر هم‌تافتی پرسمان‌ها افزوده است. برای نمونه، در قلمرو بوم‌شناسی و محیط زیست، همانا شاهد بیش از دویست



شیوه اندیشه‌ورزی یا دیدگاه‌های گوناگون و ناهمسان می‌باشیم که برای این دویست دیدگاه بوم‌شناختی و زیست محیطی می‌توان دست‌کم ۲۵ رویکرد شناخته‌شده علمی، اقتصادی، اجتماعی، رفتاری، تاریخی، فلسفی، فرهنگی، اخلاقی، دینی، معنوی (روحانی)، زبانی، درمانی، جسمانی و کالبدی (سوماتیک)، سری و رمزی، اصواتی (آکوستیک)، پزشکی، زیباشناسی، نمایشی و نماینده‌ای (تمثالی)، فناوری و تکنولوژیکی، تکاملی و تحولی، اکولوژیکی، سایکولوژیکی، کشاورزی، جغرافیایی، پیچیدگی‌بازشناسی نمود. برای نمونه، بوم‌شناسی (اکولوژی) شیمیایی، اکولوژی سایکولوژیکی و اکولوژی ادراکی دارای رویکردی علمی می‌باشند؛ از سوی دیگر، اکولوژی اکوسیستم، اکولوژی جمعیت و اکولوژی اجتماع دربرگیرنده رویکردهای بوم‌شناختی و زیست‌گاهی هستند. رویکردهای دینی، همانا در مکاتب اکولوژی معنوی (روحانی)، الهیات اکولوژیکی و اکولوژی فرایند به خدمت گرفته می‌شوند. افزون بر آن، رویکردهای معنوی و روحانی در مکاتب اکولوژی عمیق و ژرفانگر، اکولوژی غیردوگان و اکولوژی فراشخصی مورد بهره‌برداری قرار گرفته شده است. برهمین روال، در روان‌شناسی (سایکولوژی) محیط زیست، رویکردهای ناهمسانی برپایه مکاتب گوناگون روان‌شناسی (روان‌شناسی ناخودآگاه فرویدی، روان‌شناسی رفتاری، روان‌شناسی اجتماعی، روان‌شناسی ادراکی، روان‌شناسی گشتالت و روان‌شناسی فراشخصی) در بازگفت پیوند بین انسان و طبیعت در پیش گرفته شده است. در حوزه ادیان نیز شاهد دیدگاه‌های گوناگون و ناسازگار نگره‌ای (نظری) و کاربردی (عملی) بسیار زیادی می‌باشیم. اگرچه از دیدگاه سنت دینی، بحران محیط زیست و طبیعت، همانا نمودی بیرونی از بحران در روح و روان مردان و زنانی انگاشته می‌شود که برای زمین، همانا از آسمان روی برتافته‌اند، ولی هم‌زمان شاهد واکنش‌های دینی گوناگون به پرسمان‌ها، چالش‌ها و بحران‌های زیست محیطی در بین ادیان غربی و شرقی نیز می‌باشیم. بسیاری از سنت‌گرایان دینی براین باورند که واکنش همه ادیان به بحران زیست محیطی، بیشتر واکنشی اخلاقی می‌باشد که خود دربرگیرنده لایه‌های پرشمار بینشی و دیدگاهی است که در سنخ‌های گوناگونی از انسان‌گرایی، علم‌گرایی، استدلال‌گرایی و فلسفه‌های دوران مدرنیته (با بن‌مایه‌های دنیوی‌گرایانه: سکولاریته) بازتاب پیدا نموده است.

بی‌گمان، پیش از رسیدگی به پرسمان‌ها و چالش‌های زیست محیطی و چاره‌اندیشی‌های فراگیر و یکپارچه، در گام نخست می‌بایستی براین گسست اندیشه‌ای و جدایی بینش‌ها و دیدگاه‌ها (پرسپکتیوها) پیروز گشت. به راستی، با ترمیم این گسست بنیادین اندیشگانی، می‌توان امیدوار بود که دیگر گسست‌های زندگی انسان امروزی که در سه گسست بوم‌شناختی/زیست محیطی، گسست اجتماعی و گسست معنوی تبلور پیدا نموده است، پیروز گردیم. بی‌گمان، جامعه بشری کنونی در ترمیم چنین گسست‌ها، همچون یک جامعه معوق و به تعویق افتاده شده می‌ماند.

ما به‌گونه‌ای بی‌درنگ و شتابان، نیازمند نگره (و شاید آبرنگره‌ای) و عقلانیتی (و شاید فراعقلانیتی) فراگیر، همه‌سوی نگر، یکپارچه و همه‌دیدگاه‌گرا هستیم تا برپایه آن همه قلمروهای آگاهی از هستی‌مندی‌ها (واقعیت‌ها) و روش‌ها و رویکردهای شناخت‌ورزی (اپیستمولوژی) را در کنار هم سامان دهیم. صرف‌نظر از این‌که این عقلانیت یا پنداره را دانشی فراهنجار (پسانرمال)، رشته‌ای فرارشته (پسارشته‌ای)، فرافلسفه یا یک وراایدئولوژی فرامدرنی (متامدرن) یا نگره‌فرانگر و یکپارچه (تئوری انتگرال) بنامیم؛ ما یک طرح‌واره ذهنی راهبردی، فراگیر و همه‌سونگر در اختیار خواهیم داشت که تلاش می‌کند تا سه‌گانه‌های سترگ از هم جدا افتاده جهان (گیتی): هستینه‌ها و راستینه‌ها و درستینه‌ها را



برای نخستین بار آشتی و در کنار هم به سامان برساند. شاید، چنین عقلانیت و طرح‌واره ذهنی یا فرانگره‌ای (متاتئوری) که از دیرباز آرزوی ادیان باستان و برخی از حکیمان و اندیشمندان بوده است (از زرتشت، افلاطون و ارسطو گرفته تا اینشتاین و لازلو و کن ویلبر) دیر یا زود آشکار گردد و دورانی فراتر از سده‌ها و آگهی (اطلاعات) و شماره‌ها (دیجیتال) برای انسان‌ها تجلی یابد: هزاره عقلانیت یکپارچه، فرایندئولوژی رومدار و طرح‌واره ذهنی فرانگری و همه‌دیدگاه‌گرا و فراتر از آن. خوشبختانه، شاهد آشکار شدن برخی پرتوها از چنین عقلانیت، طرح‌واره ذهنی و فرانگره‌ها می‌باشیم: فرانگره‌ای برای همه چیز (و از جمله طبیعت و محیط زیست). شماری از این فرانگره‌ها در تلاش برای سامان‌دهی و آمیختن دیدگاه‌ها و چشم‌اندازهای بی‌شمار و گوناگون درباره هستی‌مندی‌ها (مانند یک پرسمان یا پدیده زیست محیطی) هستند. به دیگر سخن، ویژگی مهم فرانگره‌های دوران کنونی (فرامدرن یا پسامدرن)، نمایاندن یک (فرا) نگاشت از جهان هستی است که به جای پذیرش چیرگی و برتری (هژمونی) تنها یک رویکرد و راهبرد یا رد کردن و باور نکردن (انکار) و یا چشم‌پوشیدن (اغماض) از دیگر بینش‌ها و چشم‌اندازها، همانا می‌کوشد تا همه آن‌ها را در آغوش کشیده و راهی هرچند سخت و دشوار، ولی روشن به سوی هموندی و هم‌نهستی آن‌ها و کنش‌ورزی‌های کارآمدتر و خوشایندتر در پیش پای انسان‌ها قرار نهد تا پندارها و کردارهای (الگوهای) ویرانگر زندگی کنونی را به شاهراه راستین و درستین هدایت کند و برگسست‌های سه‌گانه زندگی کنونی پیروز گردد. بی‌گمان، هنگامی این فرانگاشت‌ها در پرسمان‌های نوین و چاره‌جویی‌های امروزی برای بوم‌پیوندهای انسان و طبیعت (محیط زیست) کامیاب خواهند بود که انسان‌ها در مسیر رشد و پیشرفت گام بر پله‌ها و گام‌های هوشیاری و عقلانیت فرازینه بگذارند.

یکی از این فرانگاشت‌های پرآوازه امروزی، «تئوری انتگرال» است که توسط کن ویلبر، فیلسوف و روان‌شناس آمریکایی پدیدار گشته است. گرانیگاه و شاهین ترازوی این (فرا) نگره، چشم‌اندازی (پرسپکتیوالبیوم) و همه‌دیدگاه‌گرایی (پان‌پرسپکتیویزم) است و الگوی بنیادین آن دربرگیرنده سه‌گانه‌های سترگ گسترش یافته به چهار چشم‌انداز و قلمرو (کوادرانت) برای درک و دریافت هستینه‌های گیتی است. این فرانگره مدعی دو پرسمان بنیادین است. نخست این‌که هستی‌های دارای درک و سوهشمند، همانا توانایی برگرفتن یک چشم‌انداز (پرسپکتیو) و یا آشکارسازی یک گنجایش همکنشی رومدارانه و موزون را دارا می‌باشند. چنین گنجایشی به هستینه‌ها اجازه می‌دهد تا خود را آشکار ساخته و از نهان و ناپدیدارگی برون افکنده شوند. به راستی، باز نمود چنین گنجایشی نیازمند گونه‌ای از تکیه‌گی و درونی بودن یکجا (و نه پخش و پراکنده) است. بی‌گمان، گستره و کرانمندی چنین گنجایش (ظرفیت) برگرفتن بینش‌ها، دیدگاه‌ها و چشم‌اندازهای گوناگون و این‌که دیگر هستی‌ها (جان‌داران و بی‌جانان) به چه اندازه فروتر از جایگاه انسان می‌باشند؛ هنوز یکی از پرسمان‌های بنیادین عقلانیت‌ها و کارزارهای گفتمانی در مکتب‌های گوناگون اندیشه‌ورزی بشر است. پیروان فرانگره یکپارچگی (انتگرالی) وابسته به الگوی ویلبری، هوادار دیدگاه و چشم‌انداز (پرسپکتیو) در برابر درک و دریافت (پرسپشن) هستند و آن را برای روشنگری درباره اشتباه و ناراستینه بودن الگو و نقشه برون/درون (ابجکت/سابجکت) چیره بر اندیشه مدرن (دانش هنجار، ساینس نرمال)، همانا بسیار مناسب می‌پندارند. آن‌ها براین باورند که درک و دریافت (پرسپشن)، همیشه در درون یک بینش و دیدگاه (پرسپکتیو) رخ می‌نمایند که خود می‌تواند به‌گونه‌ای نخستین شخصی، دومین شخصی و یا سومین شخصی باز نمود پیدا کند. به راستی، ما در گردآیه‌ای گسترده

و بزرگ از پیوندهای نخستین، دومین- و سومین- شخصی سهیم و شریک می‌باشیم و چه بدانیم یا ندانیم و چه بخواهیم یا نخواهیم، در این هنبازی، همانا همدست و همکار می‌باشیم.

دومین فراخواست (ادعا) این است که همه فهمیدن و دانستن، شناخت و آگاهی، دارای یک نهاد و چیستی بینشی و دیدگاهی (پرسپکتیوال) است. دانستن در شمار زیادی از لایه‌ها (سطوح و ترازها) رخ می‌دهد و همه رفتارها، دارای یک چونی (حالت و کیفیت) درونی و یک جایگاه تجربه‌گرایانه می‌باشند. این چونی‌های درونی و تجربه‌ورزانه در انسان‌ها، آن‌چنان درهم‌تنیده و هم‌تافته هستند که به دشواری بتوان با بهره‌گیری از زبان ژاوش (تلخیص و ایجاز) و آهنجش (تجريد و انتزاع)، همانا به گفتمان و بازگویی آن‌ها پرداخت. این سختی آن‌گونه سهمگین است که برخی را بدین باور رهنمون ساخته است که گسترش و پیشرفت زبان تلخیص و تجريد را یکی از برجسته‌ترین انگیزه‌ها برای جدایی، ناهمدلی و بیگانگی انسان‌ها از سامان، هم‌نوایی و همسازی با طبیعت و محیط زیست بیندارند.

در فرانگه و فرا الگوی ویلیری که نوشتار کنونی برپایه آن به رشته تحریر درآمده است؛ هر هستمندی و هستینگی (واقعیت) که می‌تواند یک کوارک، اتم یا مولکول، خاک و سنگ، آب و درخت، یک مورچه یا یوزپلنگ، یک انسان، یک حاکم و حکمران یا یک خاک‌شناس، یک پدیده یا پرمسان، بحران و چالش زیست محیطی، یک اندیشه و احساس، یک عبادت، مراقبه و مکاشفه، یک اجتماع و اکوسیستم، فرایندها، روندها و پویایی‌ها باشند؛ را می‌توان در سه‌گان رسته‌بندی فیزیکی، زیستی و معنوی (روحی و روانی) جای داد. این سه‌گانه بزرگ را می‌توان به چهار ساحت و قلمرو گسترش داد: درون/فردی (جهان بایش و تجربه درونی فرد، هوشیاری، جهان فضای "من"، یازش، قصدمندی و روی‌آوردگی، جهان فضای درونی و خودخواسته و آهنگانه، ساجکتیو، درک و دریافت نخستین شخص، کوادرانت بالا سمت چپ)، درون/گروهی (جهان درونی گروه، "ما"، فرهنگ، جهان فضای میان ذهنی و فرهنگی، اینترساجکتیو، جهان‌نگری‌ها، درک و دریافت دومین شخص، کوادرانت پایین سمت چپ)، برون/فردی یا تکینه‌گی (جهان بایش برونی فرد، "آن"، دانش، علم یا ساینس، جهان فضای برون‌نما، ابجکتیو، درک و دریافت سومین شخصی، کوادرانت بالا سمت راست)، برون/گروهی (جهان برونی گروهی، "آن‌ها"، سامانه‌ها یا سیستم‌ها، جهان فضای میان برونی و اجتماعی، اینترابجکتیو، درک و دریافت سومین شخصی، کوادرانت پایین سمت راست).

بی‌گمان، جایگشت‌های بی‌شماری برای چنین عقلانیت و فرنود (منطق) ساختاری بنیادین هستی دارند؛ منطق و برهان ساختاری که به نام (فرا) الگو (یا سوپرمدل) اکوآل (همه کوادرانت‌ها، همه ترازها) نامیده شده است و باز نمودی از یک عقلانیت یکپارچه (و اَبَر یکپارچه) است. گوهرمایه همه کوادرانت‌ها را می‌توان در این اندرز چکیده و فشرده نمود که بیابید هم به درون و برون بنگریم و هم نگرشی به فرد و گروه داشته باشیم. پیام روشن (فرا) الگوی اکوآل، نگرستن به جهان از میان درک و دریافتی چهارچشمه‌ای (چهار چشمی) است که برگرفته از سه‌گانه چشم جسمانی، ذهنی و روحی (جان و روان) انسان است. به راستی، گوناگونی فرهنگ‌ها، دین‌ها، دوره‌های زمانی، افراد، تصمیم‌ها، خط‌مشی‌ها و چاره‌اندیشی‌های زیست محیطی یا رشته‌های درسی برآمده از دیدن و فهمیدن هستمندی‌ها تنها با یک چشم یا لنز و دریچه و پافشاری بر یکی از کوادرانت‌ها یا قلمروهای دانستن و آگاه شدن، همانا سبب معوق ماندن جامعه کنونی بشر بر روی کره خاکی شده است.